



ناشرانیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (دوم) پنجشنبه اول حمل ۱۳۴۷ هـ - ۲۱ مارچ ۱۹۶۸ ع

پیرک (کارمل)

در باره دستگاہ اداری افغانستان

«مردم فریادمیکشند: هرگز نه ا»

طبق گزارش دستگاہ های تبلیغاتی حکومت، کمیسیونی برای ایجاد «یک دستگاہ سلیم فعال اداری جهت بهبود کار دولت، رفاه ما و زین و فراهم آوردن تسهیلات در مراجعات عامه مردم» (انیس دوشنبه ۲۹ دلو ۱۳۴۶) تاسیس گردید که بناغلی اعتمادی صدراعظم آنرا در ۲۸ دلو افتتاح کرد.

باستناد انعکاسات افکار عامه مردم و بیباکی های و کلا در شور و بخصوص بر اساس اعتراف غیر مستقیم بنا علی صدراعظم که در بالا تذکر رفت، دستگاہ اداری دولت افغانستان سلیم نیست یعنی محبوب و فاسد است. فعال نیست یعنی راکه است. بهبودی در کار نیست یعنی منحل است. مأمورین دولت رفاه و مصونیت ندارند، یعنی به فساد و رشوه ستانی سوق داده میشوند. تسهیلات در مراجعات عامه مردم وجود ندارد، یعنی مردم آزار است.

حقایق تلخ و مهلک دستگاہ اداری کشور مبین این واقعیت است که وطن ما بموازات یک تحول بنیادی بیک اصلاح عمقی در دستگاہ اداری شدیداً نیاز مند است. «بمنظور اینکه دستگاہ اداری دولت طبق منافع یکی دو طبقه و قشر های ممتاز، کوچک جامعه بکار برده نشود، مصالح

عالیه طبقات عظیم خلقهای دهات و شهر های کشور ایجاب نمی نماید که این دستگاہ روی واقعیت های اجتماعی و علمی اصلاح گردد.

برای تحقق بخشیدن باین منظور بجهت وظیفه فوری علیه جمیع فساد اداری، خود نظری ها، بی قانونی و بی مسئولیتی، ارتشاء، شیوه های کاغذ برانی و معطلی عمدی کارهای مردم و استبداد، مبارزه بعمل می آید. برای تهیه زنده گی شرافتمندانه و شایسته مصلحتان، مأموران، اجیران، مستخدمان دولت و مؤسسات، تدابیر موثر اتخاذ میگردد.» (فقره پنج فصل سوم امور اجتماعی - مرام دموکراتیک خلق).

واقعیت اینست که: «... دموکراسی و قانون اساسی تاکنون در حرف است نه در عمل، ظلم و ستمگری با تمام و خشونت خود در جامعه حکمفرماست. مردم آزاد نیستند، هزاران انسان مظلوم وطن در دستگاہ فاسد اداری حکومت سرگردانند، طبقات حاکمه و متمدن محلی متحداً با مأمورین عالیرتبه حکومت خود سراسر حقوق خلق کارگران، باپیرجمی لکه مال میکنند، رشوه ستانی و قانون شکنی آنها نه خودروی

بخاطر روز بین المللی زنان

پرچم: روز هشتم مارچ روز بین المللی جنبش جهانی زنان را بتمام مادران، خواهران و دختران زحمتکش و نجیب افغانستان از صمیم قلب تبریک میگوید و بمناسبت این روز بزرگ اعلام میدارد که زنان افغانستان طی تاریخ مبارزات ملی کشور، بلا وصف محرومیت های گوناگون، از خود شهادت ها و قربانی های فراوانی نشان داده اند. اکنون هم زنان شرافتمند و ستمدیده کشور ما برای احقاق حقوق خود اتحادیه دموکراتیک زنان را سازمان میدهند و دوش بوش مردان، توأم با نقوای افغانی دوا حراز مقام خویش بجهت عضو نام الحقوق اجتماع در راه صلح و آزادی و دموکراسی دلیرانه مبارزه می نمایند.

دارد و نه جزائی.» بنابین این، مصالح وطن و مردم ما هر چه زودتر ایجاب می نماید که نخست چگونگی و عیوب عمده و علل اساسی امراض دستگاہ اداری دولت افغانستان بصورت عمقی افشا گردد و در ضمن بصورت کلی و فوری بولیندی شده طریق واقعی ریشه کن ساختن و راه ایجاد یک تحول بنیادی در دستگاہ اداری کشور نشان داده شود.

خصوصیت و عیوب عمده دستگاہ اداری افغانستان:

حقایق مبین این واقعیت است که دستگاہ موجود دولتی افغانستان بطور عموم، وسیله زجر دهنده -

پرچم سال نو را تبریک میگوید

کشور با ستانی و محبوب ما افغانستان سنن عالیه و جشن های ملی پر افتخار فراوان دارد. جشن نوروز یکی از این ایام با ستانی مردم ماست.

جشن نوروز مظهر عالیترین روحیه خوشبینی ملت ما برای زندگی نوین، ایجاد سرور و خوشبختی برای خود و بشریت زحمتکش و پیشناز تاریخ بشمار می رود.

جشن های باستانی ملی ما، عموماً از عشق مردمان ما به طبیعت و کار و فصل نوین زندگی و زحمتکشی بوده های عظیم بزرگواران سر چشمه می گیرد.

عید سال نو یا عید نوروز نشانه سرنگون شدن کهنه و ظهور نوجوانی و سرسبزی طبیعت، مظهر آمانها، پیروزی ها و امید های نوین خلق کارگر برای کار و مبارزه است.

پرچم دموکراتیک خلق در حالیکه تبریکات صمیمانه خود را به هموطنان و زحمتکشان محروم کشور، به مناسبت حلول سال نو ابراز می دارد - عمیقاً امید وار است که سال نو، سال رشد مبارزه و نهضت اجتماعی، سال پیروزی نیرو های صلح و آزادی در جهان، سال وحدت رانندگان نیرو های دموکراتیک ملی، مترقی و وطنپرست کشور باستانی افغانستان باشد.

اروز دور نیست که ملت ما بوعظلم و ستمگری را بدور افکند و جنبش های شادمانی ملی خود را با آزادمنشی برگزار کند.

پرچم بهار افغانستان نوین، پرچم تجدید حیات ملی کشور ما از دور نمایان است! خلقها بیدار میشوند! سال نو، سال جدید مبارزه مقدس ما فرا میرسد!

م. ا. خیر

یکسال دیگر بر نخبهای عظیم مردم

افغانستان گذشت

سالیکه سپری شد، مانند ده ها از کانون های گرم مبارزان پیشرو - سال دیگر چیزی جز گرسنگی، شان متحداً بر خیزد...!

در اوایل سالیکه گذشت گردانندگان زور و قدرت برای ادامه حکومت خویش به حرکات ضد آزادی های مصرح در قانون اساسی و ضد دموکراسی و ضد رشد اقتصاد و فرهنگ ملی، بروش های جدید استبدادی و ارتجاعی دست زدند و به مردم فریبی های «ظرفیانه»، افساد و تطمیع و همچنان بشیوه های «کلاسیک» استعماری (تفرقه انداز و حکومت کن) پرداختند. تا اینکه با افشای (سیا) پرده از روی دیسایس بر افتاد و مسأله مداخله آن در امور داخلی و طن ما و جدان آزاد یخواهان وطن پرستان را، شدیداً تکان داد و نیرو های ملی تر قیخواه وطن پرست خلق افغانستان عملاً در یک جبهه، در سنگر دفاع از شرافت ملی خود، چون صخره استوار بسیار رزه برخاستند. بموازات این واقعه، قتل و گرانی غله در سر تا سر کشور صدای اعتراض مردم را بلند کرد (یکسیر گندم تا به یکصد و پنجاه افغانی رسیده بود و یکعمده از مولدین نجیب و زحمتکش مناطق شمال کشور از گرسنگی جان سپردند) و نوار فضا پستی صنفی محصلان، صدای اعتصامات و نهضت کارگران در مناطق صنعتی کشور بصورت خود بخودی و نیمه شعوری محسوس گردید و یک وضع مؤقتی بحران در کشور بوجود آمد.

درین هنگام حکومت و قتل، که در بر نگاه سقوط رسیده بود، برای استحکام خود دست به مانور های موزیانه همه جانبه زد که در نتیجه باعث اختناق آزادی مطبوعات، تشدید ارتجاع و استبداد، و بحران درین هنگام حکومت و قتل، که در بر نگاه سقوط رسیده بود، برای استحکام خود دست به مانور های موزیانه همه جانبه زد که در نتیجه باعث اختناق آزادی مطبوعات، تشدید ارتجاع و استبداد، و بحران

درین هنگام حکومت و قتل، که در بر نگاه سقوط رسیده بود، برای استحکام خود دست به مانور های موزیانه همه جانبه زد که در نتیجه باعث اختناق آزادی مطبوعات، تشدید ارتجاع و استبداد، و بحران

درین هنگام حکومت و قتل، که در بر نگاه سقوط رسیده بود، برای استحکام خود دست به مانور های موزیانه همه جانبه زد که در نتیجه باعث اختناق آزادی مطبوعات، تشدید ارتجاع و استبداد، و بحران

درین هنگام حکومت و قتل، که در بر نگاه سقوط رسیده بود، برای استحکام خود دست به مانور های موزیانه همه جانبه زد که در نتیجه باعث اختناق آزادی مطبوعات، تشدید ارتجاع و استبداد، و بحران

درین هنگام حکومت و قتل، که در بر نگاه سقوط رسیده بود، برای استحکام خود دست به مانور های موزیانه همه جانبه زد که در نتیجه باعث اختناق آزادی مطبوعات، تشدید ارتجاع و استبداد، و بحران

درین هنگام حکومت و قتل، که در بر نگاه سقوط رسیده بود، برای استحکام خود دست به مانور های موزیانه همه جانبه زد که در نتیجه باعث اختناق آزادی مطبوعات، تشدید ارتجاع و استبداد، و بحران

درین هنگام حکومت و قتل، که در بر نگاه سقوط رسیده بود، برای استحکام خود دست به مانور های موزیانه همه جانبه زد که در نتیجه باعث اختناق آزادی مطبوعات، تشدید ارتجاع و استبداد، و بحران

درین هنگام حکومت و قتل، که در بر نگاه سقوط رسیده بود، برای استحکام خود دست به مانور های موزیانه همه جانبه زد که در نتیجه باعث اختناق آزادی مطبوعات، تشدید ارتجاع و استبداد، و بحران

درین هنگام حکومت و قتل، که در بر نگاه سقوط رسیده بود، برای استحکام خود دست به مانور های موزیانه همه جانبه زد که در نتیجه باعث اختناق آزادی مطبوعات، تشدید ارتجاع و استبداد، و بحران

درین هنگام حکومت و قتل، که در بر نگاه سقوط رسیده بود، برای استحکام خود دست به مانور های موزیانه همه جانبه زد که در نتیجه باعث اختناق آزادی مطبوعات، تشدید ارتجاع و استبداد، و بحران

درین هنگام حکومت و قتل، که در بر نگاه سقوط رسیده بود، برای استحکام خود دست به مانور های موزیانه همه جانبه زد که در نتیجه باعث اختناق آزادی مطبوعات، تشدید ارتجاع و استبداد، و بحران

است در دست یک گروه محدودی از مأموران بالا رتبه یا بیرو کراتهای نارس از «روز قضات ملی» که از طبقه حاکمه ارتجاعی نمی آید کی میکنند. پایه های دستگاہ اداری کشور بر شالوده استبداد، ارتجاع و بقایای شیوه استعماری استوار است. گروه محدودی از صاحبان قدرت، دستگاہ اداری را بمثابه وسیله نیرو مند برای حفظ منافع و امتیازات خویش، بمقصد تحت ستم قرار دادن مردم و بهره کشی بر حمانه توده های عظیم خلق کشور، منظور اجازه دادن نفوذ نظرات سوء استعماری در داخل چرخهای دستگاہ

(ص ۲)

(ص ۳)

از (ص اول)

درباره دستگاه اداری افغانستان

اداری حکومت، اعم از ساحه اقتصادی، مالی، تجاری، فرهنگی و سیاسی بکار میبرد.

درست است که در دستگاه اداری کشور يك عده معدودی از قشر فوقانی طبقات زحمتکش، در این اواخر راه یافته اند، ولی بکمال تأسف باید خاطر نشان ساخت که دستگاه اداری را چنان عیوب اساسی و امراض مزمن فرا گرفته است که به استثنای يك عده از ماموران کم رتبه و متوسط رتبه، دیگر اکثریت آنها در «کان نمک، نمک شده اند» و از طبقه و مردم خود جدا گردیده و حتی طبق دستور، گرداننده سیاست ضد مردمی اند. به هر حال باید در نظر داشت که تعیین کننده سیاست دستگاه اداری کشور مشتی از صاحبان نفوذ و بامتیاز است، نه ماموران متوسط رتبه و کم رتبه که مجربان دستور اند. دستگاه اداری باندازه ای از نیاز زمان بدور است که حتی سه حکومت پیمهم مجبور شده اند که در خط مشی خود اقبلا از لحاظ «نظری» داد سخن از ضرورت اصلاح دستگاه اداری بزنند. دستگاه اداری افغانستان بنا بر خصوصیت ضد مردمی و ضد دموکراتیک خود قادر نیست که افکار عامه، نظارت عامه، و مصالح عامه را بهبود دهد. روی این خصوصیت است که حتی قوانین موضوعه دولت نمیتواند مورد تطبیق قرار گیرد. یکی از مشخصات و بنیانی کشور های عقب مانده مثل افغانستان، عدم اجرای صحیح قانون است که در اثر آن آزادی های اولیه و اساسی مردم بفتح استبداد و ارتجاع و استعمار بر زمانه لگد مال میشود و اعتنائی به ارزش های قانون اساسی کشور نمیکرد.

در ماده یکصد و دهم قانون اساسی تذکر رفته که: «از جمله اهداف این قوانین تعمیم جرکه ها تا درجه قری و تأمین اشتراک روز افزون آن در اداره محلی میباشد» ولی علی رغم این روحیه دموکراتیک قانون اساسی، در سیستم اداری ما اصل مرکزیت به حد افراط رسیده و کوچکترین امور مربوط به اطراف و لایات و محلات طبق دستور از مرکز، از کابل، از وزارت خانه ها بصورت کیف ما بشا تعمیم میگردد که در نتیجه باعث عقب ماندگی

فوق العاده و خستناک ولایات و مناطق دور افتاده کشور، از نظر اقتصادی و فرهنگی، گردیده است.

از فحوای نظرات حکومت و استنباط نادرستی که از فیصله های ولسی جرگه راجع به تقیص بودجه از لحاظ تشکیلات بوجود آمده، چنین معلوم میشود که حکومت میخواهد يك عده از مامورین کشور را بدون اینکه کار های مفید تولیدی برای آن ها تهیه ببیند، به اصطلاح «اضافه بست» نماید.

بکمال تأسف باید اعلان داشت که سیاست تبعیض قومی، زبانی و مذهبی و طبقاتی از سالیان دراز دامگیر دستگاه دولتی افغانستان است.

واقعیت این است که یکی از عیوب دستگاه اداری ما مساله تورم تشکیلاتی و ایجاد کرسیهای تطمیع کننده غیر ضروری برای «آزاد ه ها» و صاحبان اصل و نسب، و به اصطلاح نوبدوران رسیدگان دستور بردار میباشد.

پرواضح است که در دستگاه اداری افغانستان راه ترفیع و اشغال کرسی های بلند بالا و ایجاد زندگی مرفه برق آسا، صرف برای آن اقلیتی امکان پذیر است که طرفدار جدی سیاست دستوری محافل خاصه کشور باشند.

اساساً تاکنون مساله مصنویت، شایستگی، صلاحیت، استعداد، وطن پرستی و ترقی خواهی عده کثیری از ماموران زحمتکش و تحصیل کرده در رشته های سیاسی، اقتصادی، اداری، فرهنگی و فنی مطرح بحث حکومتها در افغانستان نیست.

در دستگاه اداری موجود کشور اکثریت مطلق تحصیل کردگان در رشته های غیر مسلکی خود مشغول کار اند. طبق تحقیقات و آزمون های صورت گرفته در کشور، بیش از ده فیصد از استعداد تحصیل کردگان در کشور، بهره برداری نمیکردند، و حد اوسط در تمام طول و عرض دستگاه اداری بیش از يك الی دو ساعت کار با ثمر و مثبت انجام داده نمیشود.

نظام بیروکراسی فاسد و کار شکن در امور، کاغذ پرانی های بی مورد، عدم احساس مسؤلیت و هرج و مرج در کارها، مقررات پیچیده و ناقص، کیدی هلاکت بار جریان امور

از آن مسائل مبرهن است که هر روز فریاد مردم را بلند میکند.

رشته ستانی در دستگاه اداری کشور مرض حاد و کشنده دیگری است که یکی از نمونه های وحشتناک رشوت ستانی در جهان معاصر به شمار میرود. مساله ارتشاء و رشوت ستانی چنان بیش مانده در دستگاه اداری کشور شیوع دارد که کار در راه به مغز استخوان مردم رسیده است. ما موران و منتفدین محلی برای مردم جز پوست و استخوان چیز دیگری بجا نگذاشته اند.

درباره حیف و میل عواید و سوء استفاده از بودجه عادی و انکشافی دولت اینقدر کافیسیت که چند رقم فیصدی زیرین را به صورت يك تحقیق تخمینی که وقتاً فوقتاً، از طرف متخصصین خارجی و داخلی بصورت یادداشت های تحریری و شفاهی، به وزارت پلان سپرده شده ارائه کنیم: بطور متوسط تخمیناً در حدود چهل فیصد عواید دولت بنا بر نظام اداری نادرست و سوء استفاده بهدر میرود و از نصف دیگر آن در حدود ۶۵ فیصد بصورت معاشات بصر ف می رسد.

اکنون برای روشن شدن يك حقیقت تلخ، لازم می افتد که منحیث مثال مصارف مجموعی پلان دوم (مصارف عادی و انکشافی) دولت را برقم ارائه کنیم که آن عبارت است از چهل میلیارد و چهار صد ملیون افغانی (تخمیناً در حدود ششصد ملیون دالر بر اساس نرخ با زار) (توجه کنید: ششصد ملیون دالر، تقریباً معادل هشت روز مصارف جنگی امریکا در ویتنام).

کافیسیت بگوئیم تأسف آور است! اکنون خواننده عزیز درک می کند که با داشتن این عواید ناچیز دولتی که در حدود نصف آن از طریق کمک های خارجی بدست می آید، چطور قسمت اعظم آن را «دیو» بیروکراسی کشور ظالمانه می بلعد و خلق های ما را تحت ظلم و ستمگری و بهره کشی بی رحمانه قرار می دهد.

راه علاج فوری و بنیادی:

و وطن محبوب ما نیاز مند - های شدید و فوری بیک تحول اساسی و بنیادی دارد.

وضع موجود نمیتواند معالجه درد ها و مشکلات عظیم کشور ما باشد. وطن ما در پهلوی دیگر تحولات اساسی احتیاج بیک تحول و تغییر کیفی و اساسی در دستگاه دولتی و اصلاح عمقی اداری دارد. زمان بسرعت برق به پیش می رود مردم دیگر نمیتوانند این کندی و رکود را تحمل کنند.

ما پیروز خواهیم شد، زیرا شکست ما، شکست منطق، شکست اخلاق و راستی است. جهان بینی ما، همچون دوران شباب سعادت آینده همچو طلیعه بهاری با به جهان می نهد!

(۰۰۰۰)

دستگاه اداری کشور به اندازه های کهنه و فاسد گردیده است که حتی امکان آنرا ندارد که با اصطلاح رفورم - های مطروحه نیم بند حکومتها را تعمیم نماید.

برای اصلاح اساسی و بنیادی دستگاه اداری دولت درین مرحله تاریخی فورمول های آتی راه نجات تلقی میگردد:

- باید دستگاه اداری ما هیت مردمی داشته باشد و بر مبنای اصل نظارت مردم و دادن سرنوشته مردم بدست خودشان و تعمیم دموکراسی استوار گردد. زیرا تا دستگاه اداری ما به شیوه دموکراتیک عمل ننماید و انعکاس دهنده آرمانهای توده های مردم نباشد، نمیتواند در زمینه برش در کار، تحرک در کار و حاصل دهی در کار، فعال و با تقوی باشد.

ایجاد يك نظام نوین اداری از طریق تألیف منطقی مرکزیت - دموکراتیک در کار های اداری و ترکیب دست اصل دموکراسی از مرکز، با اصل دادن صلاحیت و اختیار به دموکراتیک برای مناطق و نواحی مختلف کشور، در زمینه های رشد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ضروری بشمار میرود. اجرای این امر ایجاد میکند که تجدید نظر در تقسیمات ملکی طبق شرایط اقتصادی اجتماعی، کلتوری و غیره در چوکات پلانهای واحد و سر تا سر کشور و تأمین حقوق و آزادی های و سبب دموکراتیک مردم، بدون تبعیض بعمل آید.

- تجدید وقتاً فوقتاً تشکیلات اداری بر وفق شرایط و تغییراتی که در اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور رخ میدهد.

- بوجود آوردن مؤسسات تولیدی و انتفاعی بر مبنای پلان عمومی انکشاف اقتصادی و بسط و توسعه سکتور دولتی اقتصاد و بکار انداختن قوای فعال کشور و تعمیم رشته های جدید و تخصصی و آموزش تخصص ها و ووا گذار کردن کار به اهل کار، ایجاد حس مسؤلیت و انضباط و انعطاف پذیری و دادن صلاحیت و پرورش کادر های کاردان، کار بر، صدیق، نه ویر کننده، وطن پرست و ترقی خواه.

(ص ۴)

با صدای بلند به هر کس بگوی و مزده بده که در آینده زندگی زیبای و درخشان است، آینده را دوست بدارید، در راه این زندگانی پر شکوه مجاهدت کنید... به سوی آینده درخشان پیش تازید و پراوری رسیدن به آن تکاپو کنید و از هیچگونه زحمت و تلاش دریغ مدارید، ناهر چه زود تر از سعادت و کامرانی حیات حقیقی آینده برخوردار شوید...

(۰۰۰۰)

از (ص اول)

یکسال دیگر بررنجهای ...

در شوری کردید و همچنان موجبات پراگندگی و تشتت درین نیرو - های دمو کرا تیک و تر قیخواه و تضعیف مبارزه مشترک و متحد تمام نیرو های ملی وطن پرست، ایجاد دو دلی و ما یوسیت و بیاعتمادی در بین آنان را فراهم کرد. این شیوه اداری یکبار دیگر بسود طبقه حاکمه ارتجاعی و بضرر آزادی و دمو کراسی انجامید.

این وضع هنوز بیابان فرسیده بود که موج دیگری از مبارزه مشترک و اعتراض شجاعانه مردم آزادیخواه افغانستان، علیه توطنه امپریالیزم و اشغالگران اسرائیل در کشورهای عربی پدید گشت و ضربه دیگری به پیکر استعمار وارد گردید.

برچهاران دمو کرا تیک خلق افغانستان در مرکز و پیشاپیش دیگر نیرو های ملی و وطن پرست، چه در ولسی جرگه (پارلمان) و چه خارج از آن، در برابر تمام این حوادث، در یک سنگر، به حملات دلیرانه و مستدل علیه بنده و بست ارتجاع داخلی، جنگ افروزان امپریالیست و ارتجاع بین المللی پیرو داخنته، واز صلح، نهضت آزادی بخش ملی، استقلال ملی و دمو کراسی دفاع کردند، نه هراسیدند و درین مبارزه مقدس ضربات، دسایس، حملات و حتی دشنام های فراوان ارتجاع را تحمل کردند.

باوصف تمام این دسایس و جیل گوناگون، بعد از شاکتگرد استقلال وطن، بروز پشتمو نستان (۹۶سنبله) میتینگ و تظاهرات عظیمی در دفاع از جنبش رهایی بخش ملی پشتونستان، به اشتراک و تائید رهبر بزرگ ملی پشتمو نستان خان عبدالغفار خان، تشکیل گردید. روز پشتمو نستان در سال ۱۳۴۶ در تمام سیر تاریخ دفاع از جنبش نجات بخش ملی پشتمو نستان و نهضت دمو کراتیک افغانستان بلندترین موج تظاهرات کاملاً مستقل و ملی و باشکوه زنان و مردان افغانستان بشمار میرود، که به پیش آهنگی نیروی متحد دمو کراتیک زنان وطن پرست و دلیر افغانستان، باشعار های ضد استعمار و امپریالیزم ضد ارتجاع و ضد استبداد تجلیل شد.

حادثه مهم دیگر این سال: تظاهرات عظیم محصلان، روشنفکران، کارگران و شهرویان بنسبیت سالگرد واقعه خونین سه عرقل بود. واقعه سه عرقل ۱۳۴۴ که موجب شهادت و مجروح

راه طولانیست و بخشهای آن ناشناخته. مرز هایمان را میشناسیم ما چون پولاد آبدیده خواهیم شد و انسان نوین را بوجود خواهیم آورد.
(۰۰۰)

شدن چند تن از مبارزان راه آزادی گردید و در راه مبارزه بخا طرتا مین دمو کراسی و پار لمان آزاد و مبارزه علیه استبداد بوجود آمد، در تاریخ مبارزات رهایی بخش و دمو کراتیک ما از جمله آن سلسله و قایمی است که میتوان آنرا در شرایط جدید مبارزه و نهضت دمو کرا تیک و ملی کمسور «ناقوس بیداری و هوشیاری» اعلام کرد.

این حادثه یکبار دیگر اعتقاد و امید به پیروزی و روحیه مبارزه جوئی و نیروی شکست ناپذیر مردم دلیر و آزادیخواه وطن ما افغانستان را عمیقتر و مستحکمتر به اثبات رساند.

بالاخره در نیمه دوم سال گذشته حکومت بنیادین میوندوال در اثر مبارزات و اعتراضات شدید مردم و پارلمان محکوم بسقوط و استعفاء گردید و موفق نشد که به اصطلاح سو مین پلان پنجساله (مضحک و نیم بند) انکشاف اقتصادی و اجتماعی (!) افغانستان را با بودجه نامتوازن و ناقص از شوری بگذراند و در نتیجه بتاریخ (۲۳ عرقل ۱۴۴۶) حکومت بنیادین اعتمادی تشکیل شد و ظاهراً گویا تغییری در اوضاع کشور بوجود آمده....

جریان سه روز رای اعتماد حکومت در ولسی جرگه، که از طریق رادیو افغانستان بخش گردید، در نوع خود بهترین تریبیونی بود که به نفع مردم افغانستان مورد استفاده قرار گرفت و روان مشروطیت خواهان، قهر مانان و شهدای راه آزادی را شاد ساخت و در نتیجه از یکسو باعث افشاگری های وسیع و بی سابقه فساد مزمن دستگاه ارتجاع و از سوی دیگر موجب بیداری نسبی شعور سیاسی خلق کشور ما گردید.

مؤخر اینکه در نیمه دوم سال که گذشت، حکومت جدید بوجود آمد و به تعقیب آن بودجه عادی و انکشافی سال ۱۳۴۶ مورد تصویب اکثریت ولسی جرگه قرار گرفت و هم هیاتی بسوبه عالی به اتحاد شوروی، بمنظور طلب کمک های اقتصادی و فنی ارسال گردید که بالفعل بانتیاج مثبت و عقد قرارداد های مساعد به نفع رشد اقتصاد ملی و بدون قید و شرط سیاسی بوطن باز گشت و همچنان استفاده نسبی از آزادی مطبوعات بعد از مبارزات فراوان مطرح بحث روز قرار گرفت. گویا بدین ترتیب وضع در ظاهر امر بحالت عادی گرائید....

معذالک این مانور ها نباید هشیاری مبارزان پیشرو و ترقیخواه را تضعیف نماید. در ماهیت طبقاتی

داموتوری، داباغونه، دافصرونه دابه و سپیری یوهورخ دخلکومغکی دچا غلا، دچاتیری، دچا ظلمونه (سلیمان لانی)

حکومت و خطوط اساسی آن تاکنون تحول بنیادی رخ نداده است.

یگانه راه نجات و پیروزی وحدت و اتحاد عمل مدافعان صدیق خلق افغانستان است، نه رقابت های مخاصمانه و غیر اصولی در آوان نهضت، که نتایج غم انگیز و درامتیک آن در تاریخ مبارزات ملی ما و دیگر جریانات مترقی جهان معلوم است.

یکسال تأثیر خاطر نشان می گردد که در سال گذشته، بدنیال سال های دیگر، همچنان لرو ت های ملی مادمست ناخورده مانده و یایک قسمت آن مورد سؤ استفاده نیرو های استعمارگر داخلی و سود جویان استعمارگر و سر ما یه داران خارجی و دلالان داخلی قرار گرفت.

اکثریت عظیم دهقانان افغانستان همچنان بی زمین و کم زمین، در بدترین شرایط، تحت استثمار و حشمانه حیات بسر بردند. فقر و تنگدستی و خانه بدوشی و بی خانمانی در بین ملیو نه نفر از محکمشان دهات و کوچیان پیداد کرد. محرومیت فرهنگی و سیاسی اقوام مختلف کشور همچنان پابرجا مانده.

حکومت های افغانستان تاکنون بجل هیچیک از تضاد های موجود در جامعه اقدام نکردند و بالعکس تضادهای تازه ای آشکار گردید. بنابر اتخاذ سیاست های غلط مالی و تجاری و تمایلات به اصطلاح جانب «حوزه آزاد» و «در های باز» و فقدان انتظام و اداره صحیح کشور مواجه به بحران گردید، و رشد سالم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را روز بروز ممانع شد.

بحران مزمن اقتصادی، که از تمایلات تجارت آزاد خارجی و سیاست رکود اقتصادی سر چشمه می گیرد، روز افزون گشت. خطر رکود اقتصادی و تورم پولی، سیر صعودی سرسام آور قیمت ها، بخصوص در زمینه نیاز مندیهای ابتدایی و اولی مردم، کمبود مواد مورد نیاز عمومی بخصوص نان، لباس، دوا، منزل، برهم خوردن روز بروز موازنه تأدیات صادرات و واردات و موازنه قیمت اسعار و نامطمئن بودن قیمت اسعار در بازار سیاه، عدم تدارک سرمایه... و غیره همه و همه مظاهری از عدم یک سیاست ملی و مترقی اقتصادی است که حکومت موجود در واقعیت امر در آن دست و پا میزند و در ظاهر دفع الوقت می نماید.

حکومت برای ترمیم کسر مخارج بودجه عادی و انکشافی درین وبست

دچار بوده است. زیرا عوا یید دولت بنابر نفوذ نظام فئودالی و تولید فئودالی، سالانه ناچیز است و کسر بودجه را تأمین کرده نمیتواند و در نتیجه، کمبود بودجه دولت بصورت مرض مزمن ادا شده دارد.

توجه کنید! در شرایط وضع موجود حل این همه تضادها و بحرانها و گندنی سطح رشد اقتصاد و رفاهیت ناممکن است و از عهده نیروهای کهنه و محکوم بسر آورده شده نمیتواند.

در سال گذشته صنایع محلی و ملی همچنان بیشتر رو بفلاکت رفت. پیشه وران و اهل کسبه و تاجران کوچک و رشکست شدند.

امکانات تحصیلات عالی تر متعلمان و محصلان کمسور محدود تر شد. بدبخشی ماموران و روشنفکران نجیب وطن پرست کشور توأم با عدم مسئولیت و محرومیت و تشویش از آینده و سعت بیشتر پیدا کرد. سطح پایین دستمزد های کارگران فابریک، معادن و ساختمانها، فقدان بنیتهای اجتماعی و صندوق پس انداز رزمکشان، اتعادهای کارگری، بیکاری روز افزون، طبقه کارگر افغانستان را به تیره زوری مبتلا ساخته است. طبقات متوسط افغانستان بنابر نفوذ استعمار جدید و سیاست غلط اقتصادی و تجاری دولت در معرض خطر ورشکستگی قطعی قرار گرفته اند.

عدم مسئولیت جراید آزاد ملی، کنترل و تحدید مطبوعات در دست دولت و سانسور شدید مطبوعات پابرجاست.

آزادی های مصرحه در قانون اساسی بخصوص مسئولیت های فردی و آزادی های فردی، تشکیل اجتماعات، اتحادیه ها، احزاب، اعتصابات، تظاهرات ضمانت تطبیق ندارد. هنوز حکومت با وجود تظاهر به اطاعت از قانون اساسی جرات نمیکند قدمی در راه رفع تضیقات ضد دمو کراتیک بردارد.

خلاصه اینکه: در فرجام این سال باید هشیاری را نه نظارت کرد که در سال ۱۳۴۷ حکومت طبق قانون اساسی کشور و خط مشی خود چه میکند؟

میرهن است هر گاه حکومت از اسلاف خود درس عبرت نیا ندوزد، جلو خود سوری ها را نگیرد، جز ناکامی و افتضاح چیز دیگری درقبال نخواهد داشت.

(ص ۴)

از (ص ۳)

يك سال ديگر ...

های مبارز و نجیب کشور، سال مبارزات اصولی و هشیما رانه ملی ودمو کرا تیک ضد استبداد ، ضد ارتجاع و ضد استعمار و سال پیروزی در خط مشی جاری برای تحقق وظائف مبرم روز، سال ندادارک برای تشکیل نیروها و طبقات زحمتکش، سال احیای همبستگی و وحدت نیروی های تر قیخواه وطن پرست، سال اشغال مواضع جدید سنگر ارتجاع از طرف نیرو های تحول طلب کشور به جهت ایجاد حکومت دمو کراسی ملی باشد.

سال ۱۳۴۷ سال مهم و حیاتی است. سال پر مسئولیت برای ما است. افغانستان جدید در برابر ما تجلی میکند. بر ماست که از آن دلیرانه استقبال کنیم و با هیولای ترس، بی اعتمادی و بد بینی و دغا کنیم!

پیروزی ازان ماست!

خلق رنج دیده افغانستان تنها در پر تو جهان بینی علمی خلاق وایدیالوژی پیشرو عصر ما براهبری طبقه زحمتکش و پیش آهنگ آن، در دامن آزادی، صلح، استقلال ملی ودمو کراسی و ترقی اجتماعی درزیر پرچم نظام نوین اصالت اجتماعی علمی هدف غائی شاد و خرم زندگی خواهند کرد.

یک جامعه واقعا مترقی و مرفه نمایند و خد متگزار خلق باشند نه خدمتگزار یک گروه کوچک مستمگر و مرتجع.

سوال در اینجا است که آیا ماموران دستگاه اداری افغانستان حایز چنین خصوصیت و صفاتی هستند؟

مردم فریاد می کنند: هرگز نه!

در هر صورت ماهیت طبقاتی حکومتها برای ما آشکار است و درین جر یان احیای شعور سیاسی و طبقاتی توده های مردم، خط مشی درست نیرو های ملی، دمو کرا تیک تر قیخواه و وطن پرست و خلقی و عمل مشترک و متحد آنان در آخرین تحلیل نقش قاطع و عظیم دارد.

ما امید قوی داریم که سال ۱۳۴۷ برای خلقهای افغانستان سال پیشرویی، سال وحدت و اتحاد نیرو-

دخالت در سیاست و شرکت فعال در مبارزه روزمره ضد استبداد ضد ارتجاع و ضد استعمار از حقوق مسلم و وظیفه ملی و طبقاتی تمام زحمتکشان اعم از کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران و محصلان کشور است.

۲۱ مارچ

روز بین المللی اعتراض علیه تبعیض نژادی

تمام نیرو های دمو کراتیک و ترقیخواه جهان بر چه مخالفت علیه سیاست منفور تبعیض نژادی پرافراشته ، از چارو تنفر عمیق خود رانه مناسبت این سیاست غیرانسانی ابراز می کنند . اسامبله عمومی سازمان ملل متحد سال گذشته در بیست و یکمین دوره اجلاس خود با وجود مخالفت شدید نژاد پرستان موفق گردید روز ۲۱ مارچ را بنام روز بین المللی اعتراض علیه تبعیض نژادی تثبیت نماید . بعد از شکست فاشیزم و ملیتاریزم در جنگ جهانی دوم ،

از (ص ۲)

درباره ...

- از بین بردن ذهنیت تبعیض در سراسر دستگاه دولتی افغانستان.

- تأمین نیاز مندیهای ما موران دولت و خانواده ها پیشان بصورت عادلانه و قطع کامل ریشه ارتشاء از طریق تطبیق جزا های سنگین به رشوه ستانان و حامیان شان ، بدون استثناء و تبعیض از بالا تا پایین.

تجارب ملل پیشرو و تر قیخواه جهان، مبین این حقیقت است که ایجاد یک دستگاه اداری سالم و فعال جوابگوی نیاز مندیهای مردم، صرف

از طریق قطع کردن دست مفتخواران اجتماع و ایجاد یک تحول اساسی در ماهیت طبقاتی قوای دولت که دستگاه اداری موجود آله و افزار کار آنها است، امکان پذیر است .

باین معنی که تا در این مرحله تاریخی حکومت دمو کراسی بر مبنای یک جنبه متحد دمو کرا تیک و ملی بوجود نیاید، در وضع احوال موجود امیدی برای هیچگونه اصلاحات عمقی اداری برده نمیشود، ولو در ها

جنبش های آزادیبخش ملی به موفقیت های درخشانی نائل گردیده و با همناوبی عوامل قوی دیگر ، در صحنه بین المللی باعث تشدید بحران در سیستم مستعمراتی امپریالیزم گردید. در مدت کمتر از ۲۵ سال ، بیش از ۷۰ کشور به آزادی سیاسی خود رسیدند . به تناسبیکه بر تعداد کشور های مستقل آسیا و افریقا در سازمان ملل متحد افزوده شد ، مبارزه علیه تبعیض نژادی نیز کسب شدت نمود . کشور های مستقل آسیا و افریقا به پیشاهنگی و پشتیبانی کشور های صلحدوست ، تدابیر جدی را به عرض محو کامل سیاست تبعیض نژادی تعقیب نمودند .

تثبیت ۲۱ مارچ بحیث روز بین المللی اعتراض علیه تبعیض نژادی در معیار جهانی، پدیده زنده ای از همکاری و نیرو مندی قدرتهای صلح، آزادی و دموکراسی بشمار میرود. معذالك کشورها و قدرتهایی هستند که با شیوه کثیف تبعیض نژادی کرامت و آزادی انسانرا تهدید و زیر پا می کنند ، من جمله نژاد پرستان سفید پوست افریقای جنوبی، رودیشیا و تبعیض طلبان بر تگالی تا کنون به این بدعت گری ستمگرانه و کلاسیک نظام استعمار قویا پایبندی نشان میدهند و ملیونها انسان را در سر زمین های اجدادی شان تحت شکنجه ، ستم و استعمار و وحشیانه قرار داده اند .

درین روزها جهانیان ناظر ننگین ترین فجایع نژاد پرستان رودیشیا هستند. توفانی از اعتراضات ترقیخواهان و عناصر دموکرات جهان علیه اعدام وحشیانه وطن پرستان رودیشیا و نظام نژاد پرست آن برخاسته است.

پرچم ، ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان این فجایع شرم آور را محکوم کرد . نو روز ما ، که با روز اعتراض ملل متحد علیه تبعیض نژادی مصادف

شده است - ما را متوجه می سازد که هنوز در معیار ملی و جهانی ماموریت عمده و خطیری در برابر ما قرار دارد ، ماموریتیکه بحیث یک ملت، وفا داری و همبستگی ما را به مردم ستمدیده کشور ما و تمام بشریت زحمتکش آزمایش خواهد کرد .

پرچم ، ۲۱ مارچ را که سمبول مبارزه علیه تجاوز و غارتگری نیرو های امپریالیستی جهانی است ، ستمگران استقبال می کند و وفاداری خود را با مر صلح ، برابر ی، آزادی در جهان اعلام میدارد .

پرچم

به دو زبان پشتو و دری فلایر و ز های

پنجاهشنبه نشر می شود

سال تاسیس: حوت ۱۳۴۶	اشتراک
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: سلیمان (لایق)	مرکز: سالانه ۱۰۰ - افغانی
آدرس: غوثی مارکیٹ محمد جانخان واپ کابل - افغانستان	ولایات و پښتونستان: سالانه ۱۱۰ - افغانی
نمبر حساب جاری چریده: ۳۸۵۳ پښتني تجارتي بانک	خارج کشور: سالانه ۱۰ دالری
	قیمت یک شماره: ۲ - افغانی

مطبعه دولتی